

جنگ ترکیبی؛ جنگ آنارشیستی پسامدرن

قربانعلی قربانزاده سوار^۱

هاشم ناطقی^۲

سیدرضا حسینی کوه‌کمری^۳

چکیده

قرن ۲۱ قرن پسامدرن نامیده می‌شود و به تبع آن، یک مشخصه بارز پدیده‌های این عصر از جمله جنگ، ماهیت پسامدرن است. امروزه جنگ‌های بزرگ به‌رغم ظاهر کلاسیک، در جبهه‌های ناهم‌تراز و مردمی شکل می‌گیرد و نبردهای نامنظم در این آوردگاه‌ها، موفقیت یا شکست نهایی جنگ‌ها را تعیین می‌کند. انواع جنگ با عنایت به راهبرد، تاکتیک، تکنیک، فضا و زمان، از یکدیگر متمایز می‌شوند. بنابراین، به تناسب تغییر و تفاوت عناصر مزبور می‌توان شاهد تغییر و تفاوت ماهیت جنگ و انواع آن بود. مشخصه ماهوی دوران پسامدرن یعنی نسبیت، سیالیت و تکرر به پدیده جنگ این دوران نیز تسری یافته و باعث ظهور نوع جدید جنگ به نام جنگ ترکیبی شده است که صفت ترکیبی آن، حکایت از حضور مؤلفه‌های انواع جنگ‌های قدیم و جدید، کلاسیک و مدرن، نرم و سخت و نیمه‌سخت، از حیث ابزار، روش، اصول و قواعد مربوطه در این جنگ دارد که کاربرد عملیات روانی، اقدامات سایبری، دیجیتالی و رسانه‌ای، حملات نامنظم، اقدامات چریکی، عملیات تروریستی و ... گویای جلوه‌های ابعاد گوناگون آن است. به بیان دیگر، جنگ ترکیبی، پدیده‌ای پسامدرن در فضای پسامدرن امروزی است. سؤال مقاله حاضر این است که خصوصیت ماهوی جنگ نوظهور ترکیبی چیست؟ پاسخ به پرسش مزبور با روش تحلیلی-کتابخانه‌ای این شد که: جنگ ترکیبی یک جنگ آنارشیستی ژله‌ای پسامدرن با مشخصات ماهوی سیالیت و نسبیت در دکترین، راهبرد، تاکتیک و تکنیک است.

کلیدواژه‌ها: تاکتیک، راهبرد، آنارشیسم، پست مدرنیسم، جنگ ترکیبی.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) a.savar@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) hashemnateghi@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت دفاعی از دافوس آجا r.koohkamarye@gmail.com

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسؤول)
۳. کارشناس ارشد مدیریت دفاعی از دافوس آجا



جنگ، یکی از مفاهیم بنیادین دانش نظامی و دفاعی و به تبع آن، علوم سیاسی و اجتماعی است. جنگ از نظر شکل، محتوا، کمیت و کیفیت در ادوار مختلف تاریخ، تغییرات بنیادین یافته است. اندیشمندان نظامی و راهبردی بر اساس مبانی فکری خود این تغییرات را در قالب انواع مختلف نسل جنگ تحلیل نموده‌اند و تفاوت نظریه‌ها در نسل‌بندی جنگ‌ها در تفاوت مکتب فکری پایه‌گذاران آن، ریشه دارد. نسل‌های جنگ را از این منظر به چهار دسته جنگ سنتی، مدرن، فرانونی و آرمان‌طلبانه تقسیم نموده‌اند. امروزه جهانیان با یک نوع جنگ به نام جنگ ترکیبی مواجه هستند که در زمره جدیدترین و پیچیده‌ترین سبک‌های جنگی است. جنگ ترکیبی ناظر به استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از همه ابزارهای دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی در دسترس، به منظور ایجاد بی‌ثباتی در قلمرو هدف می‌باشد.

جنگ ترکیبی از آن جهت، مقوله‌ای نوین است که در آن، به جای موفقیت مرحله به مرحله خاص جنگ کلاسیک، به موفقیت هم‌زمان در آوردگاه‌های گوناگون ولی مرتبط به هم توجه دارد. نتایج جنگ کلاسیک با واژگان پیروزی یا شکست متعارف و معمولی بیان می‌شود در حالی که در جنگ ترکیبی، این نتایج با واژگان موفقیت یا عدم موفقیت در سه میدان - جبهه نبرد کلاسیک، جبهه نبرد مناطق دارای جمعیت و جبهه نبرد افکار عمومی داخلی و بین‌المللی - بیان می‌شود.

پدیده‌ها در جهان امروزین به موازات گستره عصر پسامدرن، به دلیل پیچیدگی فزاینده محیطی، پیچیده و چندوجهی شده‌اند. جنگ نیز یک پدیده فرانونی است که از حیث خصوصیات صوری، ماهوی و عملیاتی، دچار تحول بنیادین شده است. به همین دلیل، جنگ ترکیبی به عنوان یک مفهوم بدیع در ادبیات نظامی و استراتژیک مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. بنابراین، شناخت مبانی، اصول، ویژگی‌ها و اهداف جنگ ترکیبی به عنوان یکی از مصادیق جنگ‌های قرن ۲۱ از جمله الزامات سیاست‌گذاری کشورها محسوب می‌شود. ضمن بررسی انواع جنگ‌ها و ویژگی‌های هر یک از آن‌ها در نسل‌های مختلف جنگ، مشخص شد که جنگ ترکیبی، نوع پیچیده و پیشرفته جنگ است که به دلیل وجود تهدیدات نوین، شناخت و راهبردسازی عملیاتی آن، ضرورت مضاعف دارد و شناخت جنگ ترکیبی، به دلیل پیچیدگی فضای جنگ و افزایش ضریب فریب در جهان نوین، اهمیت فزاینده می‌یابد؛ زیرا دشمنان با عبرت از گذشته، می‌کوشند تا این آوردگاه فرانونی را تحت سلطه خود درآورند. بنابراین، فهم ماهیت جنگ ترکیبی و



عملیات در میادین مربوطه آن، لازمه حیات و بقای جوامع در دوران نسل جنگ ترکیبی است.

هدف پژوهش حاضر از جنبه نظری، تبیین ماهوی جنگ ترکیبی در عصر حاضر است و از جنبه کاربردی نیز شناخت نقش آن در تأمین اهداف دفاعی کشور می‌باشد. پرسش مقاله حاضر این است که ماهیت جنگ نوظهور ترکیبی چیست و خصوصیت ماهوی آن چه می‌باشد؟ فرضیه پژوهش در پاسخ به پرسش مزبور این است: آناشسیسم جنگی، مشخصه ماهوی جنگ ترکیبی است و تمام خصوصیات آناشسیسم، نشانگان این مشخصه محوری هستند.

کتاب جنگ ترکیبی: رویکرد انعطاف‌پذیر غیرمستقیم به تغییر رژیم (Korybko, 2015) به این موضوع اشاره دارد که بیش از دو هزار سال پیش، سان تزو^۱ استراتژیست نظامی چین باستان، جنگ غیرمستقیم را یکی از کارآمدترین راه‌های مبارزه با دشمن دانست؛ زیرا به حریف اجازه می‌دهد برای شکست دشمن خود، بدون مقابله مستقیم با دشمن، وارد رویارویی با صرفه‌جویی در منابع شود. این کتاب با تمرکز بر استراتژی جدید جنگ غیرمستقیم ایالات متحده، به بحران سوریه و اوکراین اشاره می‌کند که اقدامات آمریکا در هر دو کشور با رویکرد تغییر رژیم و با مدل انقلاب رنگی به عنوان یک کودتای نرم آغاز شد و تا کودتای سخت و جنگ نامتعارف پیش رفت که جنگ غیرمتعارف، شامل هر نوع مبارزه نامتقارن با یک دشمن سنتی است و هر کدام از این‌ها از قطعات جنگ ترکیبی هستند.

رساله جنگ ترکیبی (McCulloh & Johnson, 2013) برای پاسخ به این سؤال که چرا بازیگران از جنگ یا تهدید ترکیبی، استفاده می‌کنند، در پرتو نظریه جنگ ترکیبی و وحدت منطق رفتار ترکیبی، سازمان‌های نظامی ترکیبی و تهدیدهای ترکیبی دوران معاصر را بررسی کرده و با بیان نمونه‌هایی از تهدید ترکیبی به کاربردهای بالقوه جنگ ترکیبی در ارتش ایالات متحده پرداخته است.

کتاب راهبردشناسی جنگ‌های آینده (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳) ضمن اشاره به حساسیت امنیتی - سیاسی منطقه غرب آسیا به ویژه نزدیکی جغرافیایی ایران به رژیم صهیونیستی که امنیت آن به لحاظ راهبردی، برای آمریکا و هم‌پیمانان آن، اهمیت دارد، بیان می‌دارد که عمق راهبردی ایران در این سطح، زیاد است؛ زیرا تهدید حمله به رژیم صهیونیستی، در صورت حمله آمریکا به ایران، نوعی بازدارندگی برای ایران در مقابل تهدیدها به وجود



می‌آورد. در ضمن، جمعیت و منابع سرشار و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایران به گونه‌ای است که حتی بی‌طرفی ایران در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز برای قدرت‌های بزرگ رضایت‌بخش نیست.

نتیجه بررسی منابع موجود، لزوم رفع خلأ در زمینه ابعاد ماهوی جنگ نوظهور ترکیبی است که در تحقیق حاضر، به بررسی ماهیت جنگ ترکیبی در چارچوب نظری پست‌مدرنیسم پرداخته می‌شود.

روش جمع‌آوری داده‌های تحقیق، کتابخانه‌ای است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. مراحل پژوهش حاضر به اختصار، به این شرح است: الف: جمع‌آوری داده‌ها؛ ب: طبقه‌بندی داده‌ها؛ ج: تجزیه و تحلیل اطلاعات؛ د: تدوین و نگارش.

مفاهیم و مبانی نظری:

پست‌مدرن و جنگ ترکیبی از مفاهیم اصلی این پژوهش است و در چارچوب نظری پست‌مدرن به ماهیت جنگ ترکیبی نگریسته می‌شود. نظریه‌ها به طور کلی در تبیین پدیده‌ها، بر ماهیت خاص پدیده‌ها (عینی یا ذهنی) نظر داشته و متناسب با این ماهیت، روش خاصی را برگزیده تا به شناخت ادراکی، تبیینی یا تفسیری پدیده مورد پژوهش برسند.

دوران پسامدرن

پست‌مدرنیسم: کلمه مدرن از واژه لاتین *Modernus* به معنای «از هم اکنون» و پست‌مدرنیسم^۱ به معنای «فراتر از اکنون» است که با واژگان فرانون‌گرایی، فراتجدگرایی، پسانوگرایی و فراصنعتی مطرح می‌شود (عباس‌زاده، ۱۳۸۶: ۵). پست‌مدرنیسم، از تحولات فکری قرن بیستم و به یک بیان، حمله علیه پوزیتیویسم^۲ است. بنابراین، پست‌مدرنیسم، تهاجم علیه گفتمان مدرنیته^۳ و مشخصه‌های آن یعنی عقلانیت^۴، قطعیت^۵، عینیت^۶ و مرکزیت^۷ در تمام حوزه‌های حیات بشر است از جمله: در زمینه اقتصادی، نفی اقتصاد دولتی و تأکید بر اقتصاد بازاری؛ در زمینه اجتماعی، نفی عقل‌گرایی^۸ و تأکید بر همه جنبه‌های حیات از جمله جنبه غیرعقلانی در زندگی روزمره؛ در زمینه سیاست، نفی

1. Postmodernism
2. Positivism
3. Discourse of Modernity
4. Rationality
5. Finality
6. Exactness
7. Centrality
8. Rationalism



تمرکزگرایی^۱ سیاسی؛ و در زمینه روش‌شناسی^۲، نفی مرکزیت علم و تأکید بر همه روش‌ها در شناخت پدیده‌های اجتماعی (افضلی و امیری، ۱۳۹۰: ۴۶).

پسامدرنیسم به زعم گلن وارد، یک مکتب و جنبش فکری یک‌پارچه نیست. بنابراین، می‌توان از انواع پسامدرنیسم نام برد. برای مثال: پسامدرنیسم ادبی، انتقادی و اجتماعی - اقتصادی جان کارلوس رو، پسامدرنیسم ایجابی و شک‌اندیشانه پالین روز ناو، پسامدرنیسم سازنده یا بازنگرانه و واسازنده یا براندازنده گریفین، پسامدرنیسم تاریخی، روش‌شناختی و مثبت لارنس کوهن^۳، پسامدرنیسم متن‌انگارانه دریدایی و پسامدرنیته قدرت - دانش محور میشل فوکو^۴، پسامدرنیسم بوالهوسانه یا بازیگوشانه لیوتار و بودریا و پسامدرنیسم مخالفت‌آمیز بست و کلنر، پسامدرنیسم خوشبین و بدبین گیبینز^۵ و بوریمر و تمایلات گوناگون پسامدرنیسم فمینیستی، آنارشیمیستی، جهان سوم‌گرا، صلح سبز و ... (احمدیان و نوری، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

پسامدرنیته به مثابه عصری جدید، یک وضعیت اجتماعی است که در عمل، قائم به ذات و به لحاظ منطقی، خودبسند است و با ویژگی متمایز مختص به خود تعریف می‌شود (عسگرخانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۹۳-۲۹۲) که می‌خواهد از مدرنیته بگذرد چون پست‌مدرنیست‌ها به «آن سورفتن» باور دارند. پست‌مدرنیسم در گذشته، در قالب‌های ادبی و هنری مطرح بود اما امروزه نوعی مزاج است که به نقد مدرنیته گرایش دارد (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

پسامدرنیسم، مرکزیت علم را به مثابه تنها روش نگاه به پدیده‌های اجتماعی نفی کرده و از تنوع روش‌ها برای نگاه به جهان سخن می‌گوید. از دید پسامدرن‌ها، علم در گفتمان مدرنیته، دنبال کشف واقعیت نبوده بلکه واقعیت‌سازی کرده است. به گفته پسامدرن‌ها، پدیده‌های واقعی در جهان وجود ندارند بلکه گفتمان‌های مختلف، واقعیت‌ها را می‌سازند. پدیده‌های اجتماعی در عصر مدرنیته در پرتو گفتمان علم پوزیتیویستی، به واقعیت‌های نظری بدل شدند. از این رو، پسامدرنیسم به دنبال شالوده‌شکنی در عرصه‌های علمی است. از همین رو، ژان فرانسوا لیوتار^۶ با بررسی تاریخ علم از آغاز تاکنون نشان داد که چگونه اندیشمندان علوم انسانی تنها از دریچه علم پوزیتیویسم و انکار



1. Decentralism
2. Methodology
3. Lawrence Cohen
4. Michel Foucault
5. Gibbins
6. Jean-François Lyotard

بخشی از پدیده‌ها، واقعیت‌سازی کردند. ژاک دریدا^۱ با کاربرد اصطلاح فراروایت^۲، هر یک از نظریه‌های کلان را در زمینه علوم انسانی یک فراروایت نامید که پدیده‌های اجتماعی در چارچوب آنها معنا یافته‌اند. دریدا معتقد است که پژوهشگر علوم انسانی، باید با بررسی تاریخ علم، فراروایت‌های حاکم بر عرصه‌های مختلف نظری را کشف کند تا به واقعیت‌سازی عصر مدرنیته پی ببرد. به نظر او، علم پوزیتیویسم نیز یک فراروایت است که در سایه آن، واقعیت‌سازی شده است. نظریه‌های علمی در واقع، نوعی بازی زبانی هستند که در یک دوره زمانی از طرف نظریه‌پردازان، در پرتو یک گفتمان خاص شکل گرفته‌اند. در نتیجه، با گذشت زمان و تعویض گفتمان یا فراروایت، نظریه‌های پیشین، رنگ باخته و نظریه‌های جدید شکل می‌گیرد (Cousins, 1984: 152).

آنارشیزم: هسته اصلی پسامدرنیسم، عدم اعتماد عمومی^۳ به هر نظریه، ایدئولوژی، اعتقاد، دکترین و در یک کلام، نفی هر گونه فراروایت یا روایت کلان در تمام عرصه‌های دانش و معرفت بشری یعنی آنارشیزم^۴ است (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۸۳). پسامدرنیته، مدرنیته را مورد انتقاد قرار داد چون نتوانست به وعده برپایی جهان بهتر و مرفه‌تر برای بشریت عمل نماید. پست‌مدرن‌ها معتقدند: بی‌نظمی، جهان و جوامع جهانی را فراگرفته و هیچ چارچوب اخلاقی وجود ندارد که رفتار فرد را سامان بدهد. از این رو، هیچ معنا و مقصودی در زندگی وجود ندارد و نوعی پوچی بر جهان حاکم است (ساعی ارسی، ۱۳۸۹: ۲۲۰-۲۱۹).

میشل فوکو (۱۹۸۴ - ۱۹۲۶) نمونه یک پست‌مدرنیست است که از مارکسیسم آغاز کرد و نهایتاً به نسبی‌انگاری افراطی و مخالفت هرج و مرج طلبانه با هر نوع سازمان و نیست‌انگاری تمام‌عیار معرفتی و اخلاقی رسید. فوکو از نیچه^۵، مارکس^۶، فروید^۷ و تا حدود زیادی هایدگر^۸ تأثیر پذیرفت. اساس اندیشه فوکو بر نسبی‌انگاری، عدم یقین معرفتی و اخلاقی قرار دارد. او اساساً اعتقادی به وجود حقیقت، عدالت، موازن و احکام ثابت اخلاقی و هیچ نوع باور متعالی فراگیر و ابدی ندارد. فوکو انتقاداتی به تمدن مدرن دارد که باطن قدرت‌طلب دانش مدرن و ماهیت و کیفیت تکوین علوم انسانی را عیان می‌کند و با تاختن بر سوژه‌انگاری دکارتی، مرگ قریب‌الوقوع بشر اومانیزم را اعلام می‌کند اما

1. Jac Derrida

2. Meta-narrative

3. Public confidence

4. Anarchism

5. Nietzsche

6. Marx

7. Freud

8. Heidegger



اساس اندیشه فوکو همچنان سوژکتیویستی است. فوکو با تکیه بر قدرت نفی نهیلیستی، علیه تمدن مدرن اعتراض می‌کند اما چون با هر نوع تعالی‌خواهی مخالف است و شکاکانه و هرج و مرج‌طلبانه، نفی و انکار می‌کند، در نهایت، خود و مخاطب خویش را منفعل و سرگردان، تسلیم سیطره زندگی مدرن، رها می‌سازد. نسبی‌انگاری، فطرت‌گریزی و ستیز با عقل بدیهی و هر نوع سامان استوار و جهت‌دهنده عقلانی، اخلاقی، اعتقادی، معنوی و معرفتی در اندیشه فوکو، تجسم انحطاط مدرنیته و جلوه‌ای از نیست‌انگاری خودویرانگر پسامدرن است (زرشناس، ۱۳۸۷).

جنگ

ماهیت جنگ: جنگ، در زبان فارسی با واژگان سستیز، رزم، کارزار، نبرد، درگیری و ...؛ در عربی با کلمات حرب، نزاع، منازعه، قتال، جهاد و ...؛ و در انگلیسی با لغات Combat, Fight, Battle, Warfare ... بیان می‌شود و دارای تعبیر متنوع در فرهنگ ملل جهان است. کلمه War از ریشه آنگلوساکسون Were، فرانسوی Guerre و آلمانی Wirt به معنای آشفتگی یعنی آشفتگی در نظم عادی و صلح است. از این‌رو، نزاع و کشمکش نیز نامیده می‌شود (دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۶: ۲). بشر در طول تاریخ حیات خود در چرخه بی‌پایان خودساخته جنگ گرفتار بوده است. پیشینه مطالعات تحلیلی جنگ را حداقل تا زمان توسیدید^۱ می‌توان دنبال کرد. امروزه مطالعه جنگ و منازعه یا علم منازعه‌شناسی^۲، یک شاخه علمی و بین‌رشته‌ای است (حسنلو، ۱۳۸۸: ۵).

”جنگ یکی از عناصر پایدار تاریخ است و تمدن و دموکراسی از آن، چیزی نکاسته است ... باید اقرار کرد که جنگ در طول این مدت، همواره مانند امروزه شکل نهایی رقابت و انتخاب طبیعی در نوع انسان بوده است. هراکلیتوس می‌گفت: جنگ یا رقابت، پدر همه چیز است، منبع لایزال اندیشه‌ها و اختراعات و نهادها و دولت‌ها است. صلح، آرامشی است ناپایدار که تنها با قبول تفوق یا در صورت تساوی قدرت‌ها، قابل دوام است“ (دورانت، ۱۳۵۳: ۱۱۹).

جنگ به عنوان برنامه استراتژیک^۳ اعمال خشونت برای رسیدن به اهداف سیاسی^۴ در مفهوم اساسی آن است. جنگ، پیچیده و دارای سطوح بسیار است. زمانی که جنگ با تأثیرات شور و شوق، فرهنگ، مذهب، شانس و عقلانیت همراه شود، این پیچیدگی افزایش

1. Thucydides
2. Polemology
3. Strategic Plan
4. Political goals



می‌یابد. هدف جنگ، پیروزی و رسیدن به اهداف سیاسی مورد نظر است که باید قابل دسترس باشد (Harp, 2011: 22-23).

به بیان کلازویتس^۱ جنگ، عمل خشونت‌باری است که هدف آن، وادار کردن حریف به اجرای خواسته ما است. جنگ، ادامه سیاست است. جنگ نه تنها ویژگی نظامی بلکه خصیصه دیپلماتیک، روان‌شناختی و اقتصادی دارد. مائو^۲ سیاست را جنگ بدون خونریزی، و جنگ را سیاست با خونریزی دانست. ریمون آرون^۳ جنگ را یک اقدام اجتماعی ناشی از اراده اجتماعات سیاسی سازمان‌یافته به منظور غلبه یکی بر دیگری می‌داند. در نظر دیوید سینگر^۴ جنگ از نظر عملیاتی، منازعه‌ای است که بیش از ۱۰۰۰ کشته بر جا بگذارد (حسنلو، ۱۳۸۸: ۵). موریس دوورژه جنگ را کاربرد خشونت جسمی برای حل و فصل تعارضات، و سیاست را کاربرد وسایل غیرخشن یا با خشونت کمتر دانست و گاستون بوتول^۵ جنگ را مبارزه مسلحانه خونین بین گروه‌های سازمان‌یافته تعریف کرد (ادیبی‌سده، ۱۳۷۹: ۲).

نسل جنگ: جنگ از مفاهیم بنیادین علوم سیاسی، نظامی و دفاعی است. جنگ از نظر شکل، محتوا و گستردگی در ادوار مختلف تاریخ، تغییرات بنیادین یافته است. اندیشمندان نظامی و راهبردی بر اساس مبانی فکری خود این تغییرات را در قالب انواع نسل جنگ بیان نموده‌اند که تفاوت آنها در نسل‌بندی جنگ، در تفاوت مکتب فکری آن‌ها ریشه دارد. نسل‌های جنگ از این منظر به چهار دسته جنگ سنتی، مدرن، نوظهور فراصنعتی (پست‌مدرن) و آرمان‌طلبانه تقسیم شده‌اند و در تعیین نسل‌های جنگ سه متغیر مهم، اثر داشته‌اند: الف) راهبرد؛ ب) فناوری؛ و پ) تاکتیک (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۵). تعیین نسل‌های جنگ بر اساس دوره‌های تکاملی آن همراه با نسل ابزار و ادوات جنگی است. ویلیام اس. لیند^۶ در دهه ۱۹۸۰ نسل‌های جنگ را بر اساس فناوری و ایده‌های نوین نظامی به صورت زیر تقسیم نمود (لیند، ۲۰۰۴: ۱۳):

۱- جنگ نسل اول (از سال ۱۶۴۸ م)؛ این نوع جنگ با ظهور تفنگ‌های سرپر بدون خان و تاکتیک‌های رزمی سطری و ستونی (خطی) شکل گرفت که بر گسیل نیروها جهت نفوذ در صفوف دشمن با کاربرد قدرت آتش تأکید داشت.

۲- جنگ نسل دوم (از سال ۱۸۱۵ م)؛ این نسل با ظهور تفنگ خان‌دار و ته‌پر، سیم

1. Clausewitz

2. Mao

3. Raymond Aron

4. David Singer

5. Gaston Bouthoul

6. William S. Lind



خاردار، مسلسل و آتش غیرمستقیم ایجاد شد. تاکتیک‌های خطی باقی ماند و با سیطره آتش غیرمستقیم، قدرت آتش انبوه تا حدودی جایگزین نیروی انسانی انبوه شد.

۳- جنگ نسل سوم (از سال ۱۹۱۸ م)؛ سابقه این نسل، به تاکتیک‌های نفوذ غیرخطی نیروهای آلمان در جنگ جهانی اول و دوم باز می‌گردد که «مانور» جایگزین جنگ فرسایشی برای نابودی دشمن شد و بیش از «مکان‌محوری» بر «زمان‌محوری» تأکید شد.

۴- جنگ نسل چهارم (در حال ظهور)؛ این نسل، علاوه بر فناوری نوظهور (نظیر تسلیحات هدایت مستقیم انرژی، روباتیک و عملیات رسانه‌ای^۱)، بر ایده‌های نوین مبتنی است. یکی از ایده‌های جدید که بعدها غیراخلاقی محسوب شد، تروریسم فراملیتی^۲ است که از نظر برخی، «نسل پنجم» نامیده شد (حسنلو، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۲). رویکرد جنگ: امروزه دو رویکرد تأثیرمحور و شبکه‌محور نسبت به عملیات جنگی وجود دارد.

مفهوم عملیات تأثیرمحور در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. تغییر ماهیت جنگ، پایان جنگ سرد و کاهش شمار نیروهای نظامی ایالات متحده، ضرورت تدوین راهبرد نظامی تأثیرمحور را تشدید کرد. کتاب "شلیک برای تأثیر" احتمالاً سازنده نظریه عملیات تأثیرمحور است. عملیات تأثیرمحور بر اساس درک جامع محیط عملیاتی^۳ به منظور اعمال نفوذ یا تغییر رفتار با کاربرد یک پارچه ابزار قدرت جهت دستیابی به اهداف سیاسی، هدایت، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی می‌شود (منزوی، ۱۳۸۸: ۴). عملیات تأثیرمحور همه عناصر، حوزه‌ها، ابعاد و سطوح جنگ را در برمی‌گیرد. افزودن مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، روانی و ... به مؤلفه‌های ابزار نظامی باعث گردید که جنگ، فراتر از مانور نظامی و درگیری خطی و فرسایشی میدان نبرد تعریف شود. در حالی که دیدگاه کلاسیک جنگ با تمرکز بر کاهش توان رزمی دشمن، فاقد این رویکرد جامع و کل‌نگر بود (محمدی‌نجم، ۱۳۸۷: ۱۸۹). هفت مشخصه اصلی عملیات تأثیرمحور عبارتند از:

- تمرکز بر برتری و اولویت تصمیمات؛
- قابلیت کاربرد در زمان جنگ و صلح؛
- درک سامانه‌های دشمن؛

1. Media operation
2. Transnational terrorism
3. Operating Environment



- توان سازگاری منظم و اصولی؛
- استفاده از عناصر قدرت ملی؛
- تصمیم مطابق با قواعد و فرضیات واقعی؛
- تمرکز بر تأثیر غیرمستقیم و طولانی علاوه بر تأثیر مستقیم و فوری (زهتاب سلماسی، ۱۳۸۶: ۴۱).

رویکرد شبکه‌محور با تمرکز بر محور اشتراک اطلاعات به وجود آمد که تنها در ادبیات نظامی چند کشور تحت عنوان آینده‌پژوهی^۱ پیرامون آن توضیحاتی داده شده است. رویکرد شبکه‌محور به جنگ، تجسم نظامی مفاهیم عصر اطلاعات است. مطالعات نشان می‌دهد که نیروهای شبکه‌ای در انجام طیف گسترده مأموریت‌های مختلف، نسبت به نیروهای غیرشبکه‌ای توانمندتر هستند. جنگ شبکه‌محور به واسطه گردش اطلاعات از طریق رایانه‌ها و ارتباطات، بین یگان‌ها، واحدها، سیستم‌ها و افراد ارتباط برقرار می‌کند. جنگ شبکه‌ای به‌مثابه عنصر نمادین جنگ عصر اطلاعات است که از طریق شبکه عناصر میدان جنگ، اشتراک اطلاعات ممکن می‌شود (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

جنگ ترکیبی:

خصوصیت جنگ ترکیبی: جدیدترین و پیچیده‌ترین سبک جنگ تاکنون، جنگ ترکیبی است. جنگ ترکیبی دارای عناصر متعارف، نامنظم و نامتقارن است. جنگ ترکیبی شامل استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از ابزار دیپلماسی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی برای ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است. در واقع، به‌دلیل پیچیدگی فضای جنگ، استفاده از سطوح مختلف و افزایش ضریب فریب در جنگ‌ها، جنگ ترکیبی در جهان نوین اهمیت فزاینده یافته است. جنگ ترکیبی دارای ویژگی‌های زیر است:

الف. حضور عناصر عمده نیروهای منظم و نامنظم دولتی و غیردولتی،

ب. مشارکت راهبردی،

پ. فرماندهی چندوجهی،

ت. اقدامات همزمان،

ث - تهدیدات متنوع و سریع،

ج - فقدان دکترین عملیاتی مشخص.

سبک چندوجهی جنگ ترکیبی شامل وجوه زیر است:

۱. اطلاعاتی؛ ۲. سایبری؛ ۳. روانی؛ ۴. شبکه‌ای؛ ۵. ناهمتراز؛ ۶. موازی؛ ۷. کلاسیک؛ ۸.



نامتقارن (مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی).

ترسیم ویژگی جنگ‌های آینده^۱ از زبان اندیشمندان نظامی به شناخت دقیق موضوع کمک خواهد کرد.

پذیرش این واقعیت که جنگ، به‌ذات، غیرقابل پیش‌بینی است، ما را بر آن می‌دارد که بر هیچ قابلیت به عنوان تنها عامل موفقیت، تکیه نکنیم و تلاش کنیم قابلیت چندمنظوره نیروها را به حداکثر رسانده، عملیات نظامی را با شرایط و مقتضیات خاص هر درگیری مطابقت دهیم (اسکیلز، ۱۳۸۴: ۳۲).

جنگ‌های آینده از دیدگاه "رابرت اچ اسکیلز" دارای ویژگی زیر است:

- بی‌ثباتی^۲ روند جنگ؛
- انطباق و مرزهای متداخل مؤلفه‌های راهبردی و تاکتیکی؛
- نقش برجسته فناوری نظامی؛
- درهم تنیدگی ابعاد زمان و مکان؛
- رنگ باختن سریع انگاره‌ها؛
- بهره‌برداری از الگوهای ناهمگون؛
- تلاش طرفین برای کسب تفوق؛
- خلق تاکتیک‌های بدیع در حین جنگ؛
- افزایش احتمال تغییر ماهیت جنگ از متعارف به نامتعارف (اسکیلز، ۱۳۸۴: ۳۲).

والتر گیوهان^۳ در سال ۱۹۹۵ زمان را "بعد چهارم جنگ‌های مدرن" دانست که بیشترین سیطره را بر روند جنگ دارد.

نظریه‌پردازان جنگ، در طول تاریخ، کمابیش پنج ویژگی اساسی زمان را بر شمرده‌اند: استمرار، شتاب، زمان‌سنجی، توالی و هم‌زمانی. این ویژگی‌ها در بسیاری از اصول، قوانین و تفاسیری که آنان از جنگ ارایه داده‌اند، به طور برجسته‌ای مطرح‌اند. شناخت جنبه‌های فیزیکی و روانی این ویژگی‌های زمانی، در بهره‌گیری از زمان و یا به کنترل درآوردن آن در جنگ، نقشی کلیدی دارد. هنگامی که رهبران سیاسی و نظامی درصدد انجام این مهم بر می‌آیند، غالباً در می‌یابند که در دو حوزه نظامی و سیاسی، ملاحظات زمانی متفاوتی پدید می‌آید و باعث ایجاد تنش میان اولویت‌ها می‌شود (گیوهان، ۱۳۸۲: ۲۶).



1. Wars of the Future
2. Instability
3. Walter D. Givhan

ابعاد جنگ ترکیبی: تأثیر تحولات فناوری فضایی، اطلاعاتی و نظامی بر راهبرد جنگ بیش از تأثیر فناوری هسته‌ای بوده است. استفاده از سلاح لیزری پر قدرت، امواج رادیویی، مهندسی ژنتیک، ادوات بدون سرنشین، گلوله‌های هوشمند، سلاح‌های دوربرد و ... از جمله عواملی هستند که راهبرد جنگی کشورها را متحول ساخته‌اند (سنجایی، ۱۳۷۵: ۸۴). جنگ ترکیبی با عنایت به این نکته و مباحث بندهای پیشین، جنگی چندبعدی است و حاصل جمع انواع جنگ‌ها تا به حال محسوب می‌شود که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

جنگ اطلاعاتی: مفهوم نوین جنگ بر تبادل مؤثر و سریع و حجیم اطلاعات استوار است (مکنزی، ۱۳۸۲: ۵۷). اصطلاح جنگ اطلاعاتی^۱ که در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ مطرح شد، طیف گسترده‌ای مانند جنگ سنتی، جنگ الکترونیک، جنگ سایبری و جنگ شبکه‌ای را شامل می‌شود. بنابراین، جنگ اطلاعاتی مانند فیل مولانا است که هر کس، برداشتی از آن ارائه می‌دهد و باید نگرش جامع داشت تا ابعاد مختلف آن، هم‌زمان در نظر گرفته شود. جنگ اطلاعاتی، طبقه یا مجموعه‌ای از فنون شامل جمع‌آوری، انتقال، حفاظت، ممانعت از دسترسی، ایجاد اغتشاش و افت کیفیت در اطلاعات است که از طریق آن، یکی از طرفین درگیر، بر دشمنان خود به مزیت چشمگیر دست یافته و آن را حفظ می‌کند (لیبکی، ۱۹۹۵: ۱۱۶).

در جنگ اطلاعاتی، ارتش‌های بزرگ مستقر در مواضع، به نبرد فرسایشی و خونین نمی‌پردازند بلکه نیروهای کوچک و چابک و مجهز به اطلاعات ماهواره‌ای و حس‌گرهای میدان جنگ، با سرعت و در مکان‌های غیرمنتظره، ضربه خود را به حریف وارد می‌کنند چون انقلاب اطلاعات^۲ سبب تغییر در نحوه ورود جوامع به منازعات و جنگیدن نیروهای مسلح آن‌ها شده است (مرکز مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹: ۳).

جنگ روانی: امروزه از واژگان تبلیغات^۳، تبلیغ^۴، جنجال^۵، تهییج^۶، تحریک^۷، جنگ سرد^۸، جنگ سیاسی^۹، جنگ اعصاب^{۱۰}، جنگ افکار^{۱۱}، شست‌وشوی مغزی^{۱۲}، عملیات کنترل

1. Information Warfare
2. The information revolution
3. Propaganda
4. Propagation
5. Agitation
6. Excitement
7. Stimulation
8. The Terms of the Cold War
9. Political War
10. The War of Nerves
11. War of Thoughts
12. Brainwashing



افکار^۱ و پاره‌ای عناوین دیگر، در عین تفاوت، تحت عنوان عملیات روانی^۲ یاد می‌شود. اصطلاحات جنگ روانی و عملیات روانی، اغلب مترادف به کار می‌روند. واژه جنگ روانی در سال ۱۹۲۰ برای تحلیل جنگ اول جهانی به کار رفت. واژه عملیات روانی نیز در سال ۱۹۴۵، در طرح عملیاتی تشدید محاصره ژاپن توسط نیروی دریایی آمریکا، به کار رفت (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۳). جنگ تبلیغاتی را جنگ روانی، جنگ نرم، جنگ بدون خونریزی و جنگ سرد اعصاب برای کنترل ذهن و اراده مردم و شکست اراده دشمن تعریف کرده‌اند (ناطق، ۱۳۹۰: ۳۱). عملیات روانی در بریتانیا، جنگ سیاسی؛ در آلمان، جنگ فکری؛ در روسیه، جنگ تبلیغاتی و در آمریکا، عملیات عقیدتی، عملیات روانی، جنگ سرد یا جنگ اعصاب نامیده می‌شود (منیرحجاب، ۱۳۸۷: ۱۱).

جنگ روانی، بهره‌گیری از تبلیغات به وسیله عوامل آشکار چون رادیو، تلویزیون، مطبوعات و ... و عوامل پنهان مانند شایعه به منظور تحریف عقاید، تضعیف روحیه مردم یا ارتش و کاهش اقتدار حکومت مخالف است (متفکر، ۱۳۸۱: ۱۸). عملیات روانی یا همان جنگ کلمه و عقیده، به صورت مخفی یا آشکار و شفاهی یا کتبی، سلاحی است که از طریق ارتباط عاطفی با مخاطب، در او نفوذ می‌کند. وزارت جنگ آمریکا عملیات روانی را کاربرد تبلیغات و وسایل ارتباطی و اطلاعات در قبال دشمن، دوست یا بی طرف می‌داند تا با تأثیر بر افکار، احساسات، تمایلات و رفتار آنان، پشتیبانی آن‌ها را از اهداف و سیاست‌های خویش کسب نماید (نصر، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۳). جنگ روانی در آیین نامه رزمی ۱ - ۳۳ آمریکا، استفاده از تبلیغات و اقدامات روانی برای نفوذ بر عقاید، عواطف، نگرش‌ها و رفتار گروه‌های متخاصم خارجی برای تحقق اهداف ملی است (مرادی، ۱۳۸۶: ۴۱). کتاب عملیات روانی و تبلیغات، عملیات روانی را یک جریان ارتباطی می‌داند که یک طرف یا طرفین سعی دارند با تأثیر بر افکار، عواطف و تمایلات طرف دیگر، او را وادار به انجام رفتار مطلوب خود بنمایند (شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴).

جنگ سایبری: جنگ سایبری^۳ عبارت از انجام عملیات نظامی مطابق اصول اطلاعاتی و ارتباطی است. جنگ سایبری، ایجاد اختلال در سامانه‌های اطلاعات و ارتباطات دشمن است که برای «دانستن» خود به آن‌ها تکیه می‌کند. یعنی او کیست؟ کجا است؟ چه کاری را در چه زمانی می‌تواند انجام دهد؟ چرا می‌جنگد؟ چه تهدیداتی در اولویت قرار دارد؟ هدف اصلی این جنگ، بر هم زدن «موازنه اطلاعات و دانش» به نفع نیروهای خودی است

1. Thought Control Operations
2. Psychological Operations
3. Cyber War



به ویژه اگر «موازنه توان رزمی» وجود نداشته باشد (شیخ و صارمی، ۱۳۹۳: ۲۲). ریموند پارکز و دیوید دوگان در تعریف جنگ سایبری می‌نویسند:

جنگ سایبری، زیرمجموعه‌ای از جنگ اطلاعاتی است که شامل اقداماتی می‌شود که در دنیای سایبری رخ می‌دهد. دنیای سایبر هر گونه واقعیت مجازی است که توسط مجموعه رایانه‌ها و شبکه‌ها ایجاد می‌شود. در دنیای متکثر سایبری، اینترنت و شبکه‌های مرتبطی که حاوی مطالب چندرسانه‌ای هستند، بیشترین ارتباط را با جنگ سایبر دارند (اندیشگاه شریف، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

نوآوری سایبری در میدان نبرد، همان نقشی را در قرن ۲۱ دارد که حمله برق‌آسا در قرن بیستم داشت (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

جنگ ناهمتراز: جنگ ناهمتراز، جنگ محدود میان دو نیروی نظامی است که توان رزمی محسوس یکی از طرفین در زمان و مکان عملیات، برتری قابل ملاحظه نسبت به دیگری دارد. در این نوع جنگ، نیروی دارای توان رزمی کمتر، مقابله همه‌جانبه اثربخش را با انگیزه معنوی اجرا می‌نماید. در نبرد ناهمتراز، سبک جنگ غیرخطی، توان رزمی نابرابر، ظرف زمان و مکان نامتناسب و جبهه نامعلوم است (شیخ و صارمی، ۱۳۹۳: ۴۶).

جنگ پیش‌دستانه: در حال حاضر، راهبرد در دستور کار دولت‌ها، راهبرد جنگ پیش‌دستانه است که طبق آن، توسل به اقدامات بازدارنده و حملات پیش‌دستانه در پاسخ به حملات قریب‌الوقوع یا حملات بیشتر در حال طراحی، مجاز است (شریفی، ۱۳۸۲: ۹۵). مهم‌ترین مشکل کشورهای متوسل به راهبرد جنگ پیش‌دستانه، تعریف تهدیداتی است که توسل به زور و قدرت نظامی را توجیه و ضروری سازد؛ از این رو، جامعه علمی این کشورها، همسو با دستگاه سیاست خارجی کشور خویش، اقدام به ارائه نظریه‌هایی نمود تا بر این مشکل فائق آیند. این نظریه‌ها عبارتند از: الف) جنگ نامتقارن. ب) جنگ نامتعادل (افتخاری، ۱۳۸۲؛ ۳۷۷-۳۷۲).

جنگ نامتقارن: اصطلاح جنگ نامتقارن^۱ که نخستین بار در سال ۱۹۹۷ در گزارش رسمی وزارت دفاع آمریکا استفاده شد، «کاربرد رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او، از طریق فناوری‌های غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه» است (مکنزی، ۱۳۸۲: ۱۹). در این جنگ، اراده دشمن، هدف قرار می‌گیرد تا کمبود تجهیزات و دیگر کاستی‌ها جبران شود. یکی از ویژگی‌های مهم عملیات نامتقارن، ابهام در تأثیر است (شیخ و صارمی، ۱۳۹۳: ۳۵).

1. Asymmetric Warfare



جوهره جنگ نامتقارن، دو رکن اصلی است که یکی مرتبط با کشور مهاجم و دیگری در ارتباط با کشور مورد هجوم است. این ارکان عبارتند از: قدرت‌سازی مجازی و آسیب‌سازی مجازی (دی استیل، ۲۰۱۱؛ ۳۴).

رکن اول: قدرت‌سازی مجازی

قدرت‌سازی مجازی با ایجاد تصویر غیرواقعی از قدرت بازیگر رقیب، بر آن است تا تعادل مورد نیاز برای استفاده از زور در دفع تهدیدات احتمالی را برای بازیگر برتر فراهم آورد و بازیگر برتر می‌کوشد تا وجود «تهدید نامتقارن» را مجوز کاربرد نیروی نظامی در عرصه مناسبات بین‌المللی بر ضد کشورهای ضعیف قرار دهد.

رکن دوم: آسیب‌سازی مجازی

وجود رابطه مستقیم بین توسعه و آسیب‌پذیری، مکمل رکن نخست با موضوعیت کشور مهاجم است. به این معنا که هم‌زمان با توسعه توانمندی‌ها، آسیب‌پذیری بازیگر نیز افزایش می‌یابد. از این منظر، قدرت‌های برتر، در معرض تهدیدات تازه قرار می‌گیرند که رقبای توسعه‌نیافته آن‌ها از آن ایمن هستند. به عنوان مثال، توسعه شبکه ارتباطی و کاربرد سیستم هوشمند برنامه‌ریزی و کنترل پرواز، با وجود امتیازات بسیار، این آسیب جدی را دارد که به کشور مهاجم، امکان نفوذ به سیستم کنترل پرواز، اختلال و بروز فجایع انسانی می‌دهد.

نتیجه کاربرد دو رکن قدرت‌سازی و آسیب‌سازی مجازی، ایجاد تصویر مجازی از تهدید مدنظر قدرت نظامی برتر است که با کمک رسانه‌های جمعی، ماهیت واقعی به خود می‌گیرد. در مجموع، نظریه جنگ نامتقارن، نیاز قدرت برتر را برای شروع جنگ بر ضد قدرت‌های ضعیف برآورده نمود و کاربرد راهبرد اثبات وجود قدرت مستولی^۱ را از طریق برخورد با حلقه‌های ضعیف نظام جهانی میسر ساخت (متر و جانسون، ۲۰۰۰: ۵۵-۴۲). جنگ نامتعادل: ملاحظات انتقادی نسبت به نظریه جنگ نامتقارن دلالت بر آن دارد که تهدید نامتقارن از حیث عملیاتی، وجود خارجی ندارد و مفهومی مجازی است که بیشتر در سطح نظریه‌پردازی کاربرد دارد. بنابراین، پرسش از چگونگی توجیه منازعه قدرت برتر با قدرت‌های ضعیف و متوسط که در چارچوب اقدامات پیش‌دستانه صورت می‌گیرد، نیازمند پاسخ و مجوزی است که از آن، به نظریه جنگ نامتعادل یاد می‌شود. ارکان این نظریه و در واقع، مراحل اجرای جنگ پیش‌دستانه عبارتند از: اقدام رسانه‌ای، جنگ روانی و عملیات نظامی.



رکن اول: اقدام رسانه‌ای

بازیگر برتر در این مرحله با استفاده از رسانه‌های جمعی و مدیریت آنها می‌کوشد تا با قرار دادن بازیگر هدف در مرکز فعالیت رسانه‌ای خود، تصویر مجازی از بازیگر مورد نظر، به افکار عمومی و جامعه بین‌المللی عرضه کند. در سایه چنین اقدامی، این ذهنیت و نگرش شکل می‌گیرد که اقدام و عملیات نظامی علیه بازیگر هدف، ضرورت دارد.

رکن دوم: جنگ روانی

اقدام رسانه‌ای، زمینه مناسب را برای شروع جنگ روانی فراهم می‌آورد؛ زیرا تلاش می‌شود تا دستگاه تصمیم‌ساز کشور هدف، دچار اختلال در سیاست‌گذاری شده و شرایط مناسب برای ایجاد ائتلاف بر ضد کشور هدف فراهم آید. در واقع، هدف جنگ روانی، ایجاد واکنش منفی بر ضد تصویر مجازی خلق شده طی اقدام رسانه‌ای است.

رکن سوم: عملیات نظامی

در حالی که تعارض بین دو بازیگر در سطح A و B تعریف می‌شود؛ اقدام نظامی نیز در فضایی متفاوت و با این دو بازیگر صورت می‌پذیرد. در نتیجه، قدرت برتر، در زمان کوتاه‌تر و با تلفات اندک، به اهداف نظامی خویش دست می‌یابد. هر چه بازیگر مهاجم A در استقرار تصویر مجازی B نزد مردم و دولت کشور B و سایر ملل و دولت‌مردان، توفیق بیشتری یابد، نتیجه کاربرد زور از سوی A مطلوب‌تر و کارآمدتر خواهد بود.

ماهیت نبرد ترکیبی

جنگ ترکیبی^۱ که با پیدایش گروه‌های فاقد دولت در اواخر دهه ۱۹۹۰ متولد شد، نبردهای نامنظم و ناهمترازی است که در آوردگاه‌های مردمی انجام می‌شود و به جای موفقیت مرحله به مرحله جنگ کلاسیک، بیشتر بر موفقیت همزمان در آوردگاه‌های گوناگون ولی مرتبط با هم تمرکز دارد. یکی از دلایل ظهور چنین جنگ‌هایی، برتری طلبی نظامی برخی بازیگران عرصه بین‌المللی است که منافع حیاتی آنها در معرض تهدید واقعی است؛ زیرا آنها دیگر به طور مؤثر از حفاظت لازم در برابر این تهدید برخوردار نیستند. راه‌کار کسب برتری نظامی نیز ارتقای کمی (نیروهای نظامی پر شمارتر از نیروهای رقیب) و کیفی (تربیت و آموزش بهتر نیروها و کارآیی بهتر تسلیحات) می‌باشد. کشورهای برخوردار از امتیاز تحقیق و توسعه می‌توانند به سامانه‌های دفاعی جدید کامل‌تر، دقیق‌تر یا سریع‌تر دست یابند. برنامه‌های تحقیقاتی، مستلزم هماهنگی مهندسان مجرب، مراکز و آزمایشگاه‌های برخوردار از ساختارهای مناسب، به‌خصوص بودجه‌هایی است که تداوم

1. Hybrid War



پروژه‌ها را تضمین کند. تصمیم سیاسی یک کشور نیز با تعیین هدف برنامه تسلیحاتی، این مجموعه را استحکام می‌بخشد. البته، عدم توازن‌ها بین کشورها به برخی اجازه می‌دهد که از تجهیزات برتر نسبت به رقبا برخوردار باشند. با وجود این، مزیت فناوری، دستیابی به پیروزی قطعی را تضمین نمی‌کند.

هنگامی که سامانه‌های پیچیده مستقر می‌شوند، رقبا وقت خود را برای واکنش مناسب، تلف نمی‌کنند. از آنجا که نمی‌توان تمام مراحل دستیابی به فناوری‌ها را بدون افشای هر گونه اطلاعات، سری نگه داشت، رقبای احتمالی می‌توانند در استقرار سامانه تسلیحاتی متقابل پیش‌دستی کنند و به موازات آن، برای مقابله با آن فعالیت کنند. بنابراین، اگر چه می‌توان با پشتوانه گردآوری اطلاعات توسط سرویس‌های اطلاعاتی، برتری فناوری رقیب را خنثی نمود اما برتری فناوری، با راه‌کارهای غیرمستقیم رقیب (مانند جنگ یمین و کوزوو) نیز مواجه می‌شود. در واقع، عدم توازن ناشی از مزیت فناوری می‌تواند رقبا را اگر از توانایی مشابه برخوردار نباشند، به کاربرد راه‌کار نامتقارن در عکس‌العمل نسبت به این مزیت فناوری رقیب تحریک نماید. به عبارت دیگر، هر چه اسلحه پیچیده‌تر باشد، شکننده‌تر است؛ زیرا بر یک جنبه خاص از عملیات نظامی متمرکز می‌باشد و به این ترتیب، آسیب‌پذیرتر یا به مقدار اندک، عملیاتی است. در ضمن، تسلیحات پیچیده با ملاحظات تأثیر کاربرد آنها بر محیط زیست و انتقادات شدید افکار عمومی مواجه می‌باشد (کورمونت و ریبنیکار، ۱۳۸۵: ۱۶۸-۱۶۷).

پس از جنگ سرد و در اواخر دهه ۱۹۹۰، دو روند مهم مؤثر در سطح جهانی به وقوع پیوست که ریشه بسیاری از سبک‌های نوظهور و در حال ظهور جنگ است و آینده دگرترین نظامی و دفاعی کشورها به این‌ها بستگی دارد. تغییرات اساسی در محیط راهبردی با جهانی‌سازی و ظهور عصر اطلاعات، دو روندی است که شرایط جهانی و ساختارهای سازمانی اعم از نظامی و غیرنظامی را دست‌خوش تغییر کرده است. جنگ‌های در حال ظهور، جنگ‌هایی است که در تمام حوزه‌های فیزیکی، اطلاعاتی، ادراکی و اجتماعی رخ می‌دهد و این حوزه‌ها، ابزاری اکتشافی است که از طریق تسهیل تفکیک عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی مأموریت، به درک پدیده‌های پیچیده یاری می‌رساند. بنابراین، شناسایی این عوامل باعث افزایش اثربخشی مأموریت می‌شود (زهتاب سلماسی، ۱۳۸۶: ۲۴).

حوزه فیزیکی، حوزه‌ای است که ضربه، حفاظت و مانور نظامی را در انواع محیط‌های زمینی، دریایی، هوایی و فضایی نمایان می‌سازد. در حوزه اطلاعاتی، اطلاعات تولید،



دستکاری، اشتراک گذاری و دارای ارزش افزوده می شود. حوزه ادراکی، حوزه ای است که در آن، دریافت ها، آگاهی ها، ادراکات، تصمیمات، عقاید و ارزش های مشارکت کنندگان به بار می نشیند. در حوزه اجتماعی که برخاسته از چارچوب مفهومی عملیات شبکه محور است، نهادها بر هم اثر می گذارند، اطلاعات مبادله می شود، آگاهی و درک به وجود می آید و تصمیمات مشترک گرفته می شود. گرچه فعالیت های ادراکی افراد به علت ماهیت ذهنی، منحصر به فرد است اما احساس مشترک، یک فعالیت اجتماعی - ادراکی است؛ زیرا ادراک فردی از ماهیت اجتماعی، تأثیر می پذیرد (زهتاب سلماسی، ۱۳۸۶: ۲۴).

با استناد به موارد مذکور، تفاوت ماهوی جنگ کلاسیک و جنگ ترکیبی مشخص می شود: در جنگ کلاسیک، نتایج جنگ با واژگان معمول شکست یا پیروزی بیان می شود در حالی که در جنگ ترکیبی، به خصوص در میدان نبرد انسانی، این نتایج با واژگان موفقیت یا عدم موفقیت بیان می شود. با این ملاحظات، هدف یا وضعیت نهایی به جای عبارات "نیروهای دشمن را شکست دهید" یا "رژیم حاکم را سرنگون کنید" با این عبارت صورت بندی می شود: "امنیت وضعیت عادی گسترش یافته را برقرار کنید." نکته کلیدی برای پیروزی در جنگ ترکیبی، الزام به موفقیت در سه میدان سرنوشت ساز نبرد است: جبهه نبرد کلاسیک، جبهه نبرد مناطق دارای جمعیت بومی درگیر با نیروهای غیربومی و جبهه نبرد افکار عمومی مردم داخل کشور و جامعه بین المللی (مک کوین، ۱۳۹۰: ۴). راهبرد و چالش عملیاتی در نبرد ترکیبی، مشابه است: چگونه باید از قدرت گرفتن دشمن ممانعت کرد و خلأ ناشی از نبود حکومت و خدمات حکومتی را به دنبال پیشروی نیروها، توسط نیروهای کشور عمل کننده پر نمود؟ اگر خلأ مذکور به سرعت پر نشود به احتمال زیاد، شورشیان در کشور هدف، جنگ فرسایشی (مانند افغانستان و عراق) را ایجاد خواهند نمود. در این رابطه باید طرح تأسیس دولت بومی میزبان و تأمین حفاظت و خدمات ضروری مردم منطقه درگیر آماده شود. مشکل کلیدی در چنین نبردهایی در ابتدا، چگونگی تشکیل یک دولت مرکزی بومی نیست، بلکه مهم ترین مشکل، چگونگی پاک سازی، حفظ و بازسازی یا ساخت آن است. واژه ضدسازماندهی در پاسخ به چالش چگونگی، ابداع شده است. واژه ضدسازماندهی به قطع ارتباط سازمان های شورشیان و اهداف آنها در میان مردم از طریق تأسیس سازمان های جایگزین بهتر از سازمان های شورشیان اشاره دارد. این مفهوم به دلیل پیش بینی شایسته درباره شکل دولت محلی و نیروهای امنیتی، بهتر از هر چیز دیگری با رهنامه جدید جنگ ترکیبی تطابق دارد.





از این رو، الزام تغییر رویکرد "راهبرد جنگ ترکیبی" به رویکرد "پاک‌سازی، کنترل و ضدسازمان‌دهی جمعیتی" پیشنهاد شد. قطعاً در عملیات ضدسازمان‌دهی، کسب و حفظ ابتکار عمل در میدان نبرد مردمی، همانند میدان نبرد کلاسیک اهمیت دارد. بنابراین، باید متهورانه از مردم حفاظت و مراقبت کرد که به معنای جلوگیری از ورود چریک‌ها و سازمان‌دهی دشمن در جمعیت بومی است (مک‌کوپن، ۱۳۹۰: ۷).

داده‌ها و تجزیه تحلیل یافته‌های پژوهش:

جنگ ترکیبی، آمیزه‌ای از جنگ همتراز و ناهمتراز است که در آن نیروهای درگیر، از عملیات سنتی نظامی علیه اهداف و نیروهای نظامی دشمن استفاده می‌کنند در حالی که هم‌زمان می‌کوشند تا کنترل جبهه را با استقرار ثبات و امنیت برای مردم بومی منطقه نبرد، به دست گیرند. جنگ ترکیبی، جنگ همه‌جانبه دارای دو بعد فیزیکی و ادراکی است: بعد اول، مبارزه علیه نیروی نظامی دشمن است و بعد دوم، مبارزه گسترده‌تر برای کنترل و پشتیبانی مردم بومی منطقه، و اخذ پشتیبانی از جبهه داخلی کشورهای مداخله‌گر و جامعه بین‌المللی است. دستیابی به اهداف راهبردی در جنگ ترکیبی، مستلزم موفقیت در تمام جبهه‌های گوناگون نبرد کلاسیک و ناهمتراز است (هوپن، ۱۳۹۰: ۸).

در تمام سطوح جنگ ترکیبی، نهادهای امنیتی، دفاتر و خدمات دولتی، نیروها و پایگاه‌های نظامی، سرویس‌های امدادی و اضطراری و اقتصاد کشور هدف، مختل می‌شود، آسیب می‌بیند یا از بین می‌رود (مک‌کوپن، ۱۳۹۰: ۳). جنگ ترکیبی، ترکیبی از کشندگی جنگ دولتی و اشتیاق و تعصب جنگ‌های نامنظم است و گروه‌های مخالف، مجهز به سازمان‌هایی از نوع ترکیبی بوده و به توانمندی‌های مدرن نظامی دست می‌یابند و شورش‌های بلندمدت را به وجود می‌آورند که متکی به کمین‌ها، بمب‌های دست‌ساز و ترورهای رعب‌انگیز است (Hoffman, 2007: 45).

طبق آئین‌نامه رزمی ۰-۳ عملیات نیروی زمینی آمریکا که دکترین نیروی زمینی آن کشور را تشکیل می‌دهد، جنگ‌های امروزی تنها با راه‌حل نظامی برطرف نمی‌شود و برای کسب پیروزی در عملیات، استفاده از تمام ابزارها و قابلیت‌های کشور اعم از دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی الزامی است؛ زیرا نبردها به درگیری گروه‌های مسلح محدود نمی‌شود و دارای ابعاد گوناگون است. برای گروه‌های مسلح که در درون و میان جمعیت‌ها فعالیت می‌کنند، دشواری تشخیص دوست از دشمن، پیروزی در درگیری‌ها و جنگ‌ها بدون دستیابی به موفقیت کافی، اطلاع‌رسانی عمومی و نفوذ در گروه‌های ویژه مخاطبان،



اگر از عملیات پدافندی و آفندی مهم‌تر نباشد به همان میزان، اهمیت دارد (هوینن، ۱۳۹۰: ۴۳).

توجه به افکار عمومی و شکل‌دهی به آن، عاملی تعیین‌کننده و مؤثر در جنگ ترکیبی است. به این معنا که هر اندازه به بعد نظامی جنگ توجه شود، به همان میزان باید به ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور مقصد توجه شود چون با توجه به فضای آنارشیستی دوران پست‌مدرن، عدم توجه به هر یک از ابعاد جنگ، بر سایر ابعاد آن تأثیر دارد و چون در عرصه جنگ ترکیبی، قطعیت وجود ندارد، این سیالیت، پیروزی در جنگ را بین جبهه‌های درگیر جابه‌جا می‌کند. در نتیجه، عرصه نبرد جنگ ترکیبی آنارشیستی پست‌مدرن به سان ژله‌ای است که انجام عملیات در هر کجای ژله، بر کلیت آن اثر می‌گذارد؛ زیرا عملیات در وضعیت لرزش ژله‌ای، رخ می‌دهد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با این پرسش آغاز شد که ماهیت جنگ نوظهور ترکیبی چیست و خصوصیت ماهوی آن چه می‌باشد. پژوهش با بررسی این فرضیه نیز ادامه یافت که آنارشیسم جنگی، مشخصه ماهوی جنگ ترکیبی است و تمام خصوصیات جنگ مزبور از قبیل نسبیت، سیالیت، عدم مرکزیت، تکرر و ابهام، نشانگان این مشخصه محوری است. جنگ ترکیبی با ماهیت ترکیبی خود، آمیزه‌ای از جنبه‌های مختلف جنگ‌های موجود تاکنون، در عرصه پسامدرن جهان امروز می‌باشد. در این جنگ هر دولت، ملت، حزب، گروه، فرقه و به طور کلی هر بازیگری قادر است با هر راهبرد، دکترین، تاکتیک و تکنیک، به جنگ و مقابله با قدرت مستولی مستقر بپردازد. همان‌گونه که پست‌مدرنیسم، اعتراضی علیه مدرنیسم توسط هر کس به هر طریق و با هر ابزار ممکن بوده است، جنگ ترکیبی نیز اقدام توسط هر طرف به هر سبک و سیاق و با هر وسیله ممکن در وضعیت ژله‌ای است.

آنچه این قابلیت ژله‌ای سیال و ماهیت موزائیکی متکثر را برای جنگ ترکیبی فراهم آورده است، خصوصیت آنارشیستی دوران پسامدرن است که تمام خصوصیات این دوران را از قبیل عدم قطعیت و ...، در خود به‌عنوان مولود این دوران، نمایان می‌سازد. بنابراین، ماهیت پدیده‌های این عصر از جمله جنگ نیز با همین خصوصیت، معین می‌شود. پس، جنگ ترکیبی دارای ماهیت آنارشیستی پسامدرن است. بنابراین، در عرصه جنگ ترکیبی به موازات طراحی عملیات راهبردی در صحنه نبرد، بایستی به همان میزان به راهبرد تأمین امنیت و ثبات جمعیت کشور هدف توجه نمود؛ زیرا بی‌توجهی به این موضوع، باعث





بی‌ثباتی در کشور هدف و التهاب در افکار عمومی جهانیان خواهد شد.

پدیده جنگ که در طول تاریخ از نظر ماهیت، طبیعتی تقریباً ثابت داشت و فقط در شکل و صورت و ابزار، تغییر می‌یافت، امروزه در دنیای پسامدرن، دچار تحول ماهوی گشته است. از این رو، نباید تصور شود حتماً جنگ در قالب تخصم چهره به چهره دو دولت یا دو قوای مسلح اتفاق بیفتد. شاید جنگ‌های آینده، درگیری ملت‌ها با دولت متجاوز باشد یا در تداوم مقابله با متجاوز، ملت‌ها در کنار ارتش و نیروهای مسلح قرار بگیرند؛ زیرا با ماهیت آنارشیستی جنگ ترکیبی که امروزه ظهور و بروز یافته است، جنگ‌های آینده متأثر از محیط آنارشی جهان خواهد شد.



۱. احمدیان، قدرت و مختار نوری (۱۳۸۹) **مدرنیته؛ محل تضارب آراء**، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، ش ۹، پاییز.
۲. ادیبی سده، مهدی (۱۳۷۹) **جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران و اصفهان: انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان.**
۳. اسکیلز، رابرت اچ (۱۳۸۴) **جنگ آینده**، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران: دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۲) **اثبات‌گرایی پیچیده؛ روایت نوین آمریکایی از اثبات‌گرایی سنتی**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، ش ۲۰، تابستان.
۵. افضلی، رسول و علی امیری (۱۳۹۰) **بنیادهای شناخت‌شناسی و روش‌شناسی نظریه‌های پست‌مدرن در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۷، پاییز.
۶. اندیشگاه شریف (۱۳۸۵) **پارادایم‌های حاکم بر جنگ‌های آینده.**
۷. حسنلو، خسرو (۱۳۸۸) **مروری بر مفاهیم جنگ؛ بررسی تأثیر ویژگی جنگ‌های آینده بر سیاست دفاعی**، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۸. حیدری، کیومرث (۱۳۹۲) **جنگ‌های آینده**، تهران: انتشارات معاونت تربیت و آموزش نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۹. حیدری، کیومرث و موسی‌الرضا قمری و فتح‌الله کلانتری (۱۳۹۳) **راهبردشناسی جنگ‌های آینده**، تهران: نشر آجا.
۱۰. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه (۱۳۷۶) **تئوری عملیات و رزم**، تهران: معاونت تحقیق و پژوهش سپاه.
۱۱. دورانت، ویل (۱۳۵۳) **درس‌های تاریخ**، ترجمه احمد بطحایی.
۱۲. دی استیل، رابرت (۲۰۱۱) **ستاد جدید اطلاعات**، نشریه نگاه، سال ۳۴.
۱۳. زرشناس، شهریار (۱۳۸۷) **نگاهی کوتاه به اندیشه و وضعیت پست مدرن**، قم: نشر الکترونیکی مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۱۴. زهتاب سلماسی، یعقوب (۱۳۸۶) **جنگ‌های آینده**، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. ساعی‌ارسی، ایرج (۱۳۸۹) **مدرنیته و پسامدرنیسم، در جامعه‌شناسی کشورهای**



- اسلامی، به کوشش غلام عباس توسلی و همکاران، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۱۶. سنجابی، علیرضا (۱۳۷۵) **راهبرد و قدرت نظامی**، تهران: انتشارات پاژنگ.
۱۷. شریفی، حسین (۱۳۸۲) **تحول دفاع مشروع در حقوق بین الملل با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱**، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، ش ۱، بهار.
۱۸. شیخ، محمدرضا و کریم صارمی (۱۳۹۴) **جنگ ناهمتراز**، تهران: انتشارات دافوس ارتش.
۱۹. شیرازی، محمد (۱۳۸۰) **عملیات روانی و تبلیغات**، تهران: دبیرخانه همایش نقش تبلیغات در جنگ.
۲۰. عباس زاده، ناصر (۱۳۸۶) **مدرنیسم، پست مدرنیسم و آموزش**، جزوه کلاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
۲۱. عسگرخانی، ابومحمد، دیان جانباز و محسن عباس زاده (۱۳۸۸) **پسامدرنیته و واکاوی دولت ملی دارای حاکمیت در نظریه های روابط بین الملل**، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، ش ۳.
۲۲. کورمونت، بارتلمی و دارکو ریبینیکار (۱۳۸۸) **جنگ های نامتقارن؛ درگیری های گذشته و امروز**، ترجمه علی سجادی انصاری و غلامرضا آتش افروز، تهران: نشر آجا.
۲۳. گیوهان، والتر (۱۳۸۲) **سیطره زمان، بعد چهارم در جنگ های مدرن**، ترجمه مصطفی مخبر، تهران: دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۴. متز، استیون و داگلاس جانسون (۲۰۰۰) **عدم تقارن و استراتژی نظامی ایالات متحده**، عبدالحسین حجت زاده، نشریه نگاه، سال ۳، ش ۳۱، بهمن.
۲۵. متفکر، حسین (۱۳۸۱) **جنگ روانی**، تهران: انتشارات ستاد حوزه ولی فقیه در سپاه.
۲۶. محمدی نجم، سیدحسین (۱۳۸۷) **جنگ شناسی، بعد پنجم**، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۲۷. مرادی، حجت اله (۱۳۸۶) **عملیات روانی؛ چشم انداز مفهومی**، تهران: دومه نامه نگاه، سال اول، ش ۱.
۲۸. مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، رک به سایت: www.ir.Mtrd
۲۹. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵) **روش شناسی نظریه های جدید در سیاست**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



۳۰. مک کوین، جان جی (۱۳۹۰) **جنگ‌های ترکیبی**، ترجمه ایرج مشهدی‌اسماعیل، نشریه تخصصی ترجمان نظامی.
۳۱. مکنزی، کنت (۱۳۸۲) **جنگ نامتقارن**، ترجمه عبالمجید حیدری، تهران: دافوس سپاه، دوره عالی جنگ.
۳۲. منزوی، مسعود (۱۳۸۸) **عملیات تأثیرمحور**، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۳۳. منیرحجاب، محمد (۱۳۸۷) **جنگ روانی**، ترجمه سعید یارمند، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۳۴. ناطقی، هاشم (۱۳۹۰) **تأثیر جنگ نرم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
۳۵. نصر، صلاح (۱۳۸۰) **جنگ روانی**، ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی، چاپ دوم، تهران: سروش.
۳۶. نصر، صلاح (۱۳۸۱) **جنگ روانی**، ترجمه کورش بایندر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۷. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵) **صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته**، تهران: نقش جهان.
۳۸. لیند، ویلیام اس (۲۰۰۴) **درک جنگ‌های نسل چهارم**، ر.ک به سایت: usa-militaryreview/cac2/milarmy.cac
۳۹. هوینن، پتری (۱۳۹۰) **جنگ ترکیبی آمیخته‌ای از جنگ مرکب**، ترجمه جواد پیرهادی، نشریه تخصصی ترجمان نظامی.

40. Cousins, M. H., 1984, Michel Foucault, New York, ST. Martin's Press.
41. Harp, JAMES F., 2011, The Evolution of the Trinity: A 21st Century "Hybrid" War Theory, U.S. Army War College.
42. Hoffman, Frank G., Conflict in the 21st Century; The Rise of Hybrid Wars, Potomac Institute for Policy Studies, Arlington, Virginia, U-SA, 2007.

